



# سلوك سياسى اجتماعى ميالغان

## اهتمام به امور مسلمين



رحيم كارگر

اشاره

فقر و نداری و کمبود امکانات اولیه زندگی است. در این میان، سفارشها و دستورات فراوانی برای کمک و انفاق به فقیران و رفع نیازهای مادی و اقتصادی آنان از سوی شارع مقدس صادر شده است و از عموم مسلمانان به خصوص اغنیا و ثروتمندان، خواسته شده که از احسان و ایثار نسبت به آنان غافل نشوند.

در دو بخش قبلی این مقاله، بحث اهتمام به امور مسلمین را مطرح کردیم و در ذیل عنوان «گونه‌های اهتمام به امور مسلمین»، سه مورد از این گونه‌ها را بیان نمودیم. آن گونه‌ها عبارت بودند از:

۱. خدمت و مساعدت به مردم؛

۲. نفع رسانی و خیرخواهی برای

مردم؛

۳. برآوردن حاجات و حل مشکلات.

اینک ادامه بحث را پی می‌گیریم.

۴. کمک و رسیدگی به فقیران و

مستمندان

رسول خدا ﷺ در این باره می‌فرماید: «مَنْ وَاسَى الْفَقِيرَ مِنْ نَسَائِهِ وَأَنْصَفَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ قَدْ أَلِكَ الْمُؤْمِنُ حَقًّا»؛ کسی که از مالش با فقیر مواسات

یکی از مشکلات اساسی جامعه،

کند و از نفسش به مردم انصاف دهد، او به حقیقت مؤمن است.»

در روایتی دیگر آمده است: «اللَّهُ أَكْبَرُ! فِي الْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ فَشَارِكُوهُمْ فِي مَسْأَلَتِكُمْ! خُدا را! خُدا را! دربارۀ فقیران و مسکینان [سفارش می‌کنم]. پس آنان را در وسایل زندگی خود (خوراکها و نوشیدنیها) شریک کنید.» امام صادق علیه السلام فرموده است: «مَنْ أَحَبَّ الْأَعْمَالَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِدْخَالَ السُّرُورِ عَلَى الْمُؤْمِنِ، إِشْبَاعُ جُوعَتِهِ وَتَنْفِيسُ كُرْبَتِهِ أَوْ قَضَاءُ دَيْنِهِ؟ از محبوب‌ترین اعمال نزد خداوند عزیز و بزرگ مرتبه شادمان ساختن مؤمن، سیر کردن او در حال گرسنگی و زدودن غم او و یا پرداختن بدهی اوست.»

مبلغان و عالمان دینی نیز با تأسی به ائمه معصومین علیهم السلام همواره به رفع فقر و تهیدستی مردم اهتمام فراوانی داشته‌اند و هر چند خود غالباً از اقشار کم درآمد جامعه به شمار می‌آمده‌اند، با این حال سعی وافر داشتند که هیچ مستمند و فقیری را از خود نرانده و او را دست خالی نگذارند.

در حال حاضر نیز مبلغان باید به

این نکته توجه داشته باشند که به صورت‌های مختلف می‌توانند به دیگران کمک مالی برسانند. حتی اگر یک شخص، خود یا با کمک دیگران نتواند فقیر و مستمندی را بی‌نیاز سازد، اما باید انگیزه آن را داشته باشد تا از ثواب و پاداش الهی برخوردار شود؛ چنان‌که امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَتَرُدَّ عَلَيْهِ الْعَاجِزَةُ لِأَخِيهِ فَلَا تَكُونُ عِنْدَهُ قِيَّتَهُمْ بِهَا قَلْبَهُ، فَيَدْخِلُهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِهَمِّهِ الْجَنَّةَ؟» همانا مؤمن حاجتی از برادرش به او می‌رسد که نمی‌تواند انجام دهد؛ ولی قلبش به آن همت می‌گمارد. پس خدای تبارک و تعالی او را به سبب همتش به بهشت وارد می‌کند.»

بنابراین، آنچه اهمیت دارد، تلاش و اهتمام برای رفع فقر و مستمندی است، هر چند برای عموم مبلغان امکان کمک مالی فراهم نباشد و یا کمک آنها، اندک و ناچیز باشد. از طرفی باید دانست که یکی از موانع

۱. تحف العقول، ص ۱۳۶.

۲. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۵۲۲.

۳. اصول کافی، ج ۳، ص ۲۸۱.

که گفته‌اند هفتصد نفر از فقیران و ناتوانان را همیشه نان می‌داد.<sup>۱</sup>  
- امام خمینی علیه السلام بارها وقتی تلویزیون صحنه‌های دلخراش فقر و محرومیت مردم را نشان می‌داد، گریه می‌کردند.

روزی امام در خصوص اموالی که از طرف مرحوم پدرشان به ایشان به ارث رسیده بود، طبق نامه‌ای به یکی از علماء نوشتند: «جناب عالی وکیل هستید که زمینهای متعلق به اینجانب را... تقسیم کنید بین فقرا و تملیک آنان نمایید...»<sup>۲</sup>

- پس از آنکه مرحوم میرزا مهدی شیرازی از دنیا رفت، شخصی او را در خواب دید و از وی سؤال کرد: پرارزش‌ترین عمل دنیایی که ثوابش عاید شما گردید، چیست؟ او فرمود: پربرکت‌ترین اعمال به حال من، دستگیری از فقرا بود؛ آن هم فقرایی که درب منزل آمده و مبلغ ناچیزی را

اساسی تبلیغ و از جمله عوامل مهم فساد، ناهنجاری و انحراف در جامعه، فقر و بی‌پولی است. چنانچه مبلغ بتواند با ایجاد مؤسسات خیریه و جذب کمکهای مالی مردم و تشویق ثروتمندان و اغنیا به کمک رسانی و دریافت صدقات و زکاتهای مردم به عده‌ای از فقیران و مستمندان کمک کند، گام مهمی در از بین بردن برخی مفاسد برداشته و موجب گرایش مردم به سوی دین خواهد شد.

#### عالمان نمونه

- در شرح حال آخوند خراسانی آمده است که با وجود داشتن چنان مقام و منزلتی، تهیدست بود؛ اما با این حال، ماهی ششصد تومان به کسانی که می‌شناخت و نیازمند بودند، می‌داد و چه بسیار از خانواده‌های محترمی که به موجب توجهات این بزرگوار زندگانی خویش را می‌گذراندند و به این لحاظ، عزت و شئون اجتماعی‌شان محفوظ می‌ماند.

ایشان هر وقت به زیارت کربلا می‌رفت، دست کم ۱۵۰ تا ۲۰۰ لیره به فقرا و طلاب آنجا می‌پرداخت؛ چنان

۱. مرگی در نور، ص ۴۰۰.

۲. سرگذشت‌های ویژه از زندگی امام خمینی، ج ۶

طلب می‌کردند.<sup>۱</sup>

- عالم بزرگواری نیز ابن فهد حلی را در خواب دید که از جایگاه ویژه‌ای در میان علماء و در نزد پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برخوردار است. وقتی از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از مقام والای ابن فهد پرسید، در جواب شنید که: «دیگر علماء هنگامی که فقیر به آنان مراجعه می‌کرد، اگر از مال فقرا نزد ایشان بود به او می‌دادند؛ وگرنه جواب می‌کردند. اما ابن فهد هرگز فقیران و نیازمندان را از خود محروم باز نمی‌گردانید، چنانچه از مال فقرا نزد او نبود، از مال خود می‌داد. این مرتبه را از این کار یافت.»<sup>۲</sup>

- فقیه پارسا آیت الله بهاءالدینی رَحِمَهُ اللهُ بسان پدری مهربان، بیش از چهل سال رهگشای مستمندان و فقرای آبرومند بود. توفیق ارتزاق از خوان سخاوت و صمیمیتش نصیب بسیاری شده بود؛ بدون اینکه آنان حرفی از فقر و ناداری خود بزنند و یا واژه‌ای از درماندگی بر لب بیاورند. دهها سال، افراد صالحی از طرف ایشان، مأمور رسیدگی به فقرای محل و مراجعان محتاج بودند. ایشان به آنها می‌فرمود: «کمکها را در شب

انجام دهید و رعایت آبروی افراد را بکنید. به گونه‌ای کمک کنید که شما را نشناسند. مبادا فردا شما را ببینند و شرمنده و خجالت زده گردند.»<sup>۳</sup>

- در شرح حال عالم وارسته آقا محمدرضا حکیم قمشه‌ای آمده است: «وی مردی به تمام معنا وارسته و عارف مشرب بود... در جوانی ثروتمند بود. در خشکسالی ۱۲۸۸، تمام اموال منقول و غیر منقول خود را صرف نیازمندان کرد و تا پایان عمر درویشانه زیست.»<sup>۴</sup>

- مرحوم مقدس اردبیلی نیز در گران‌سالی، تمامی طعامهای خود را با فقیران تقسیم می‌کرد و برای خودش نیز مثل سهم یک فقیر برمی‌داشت.<sup>۵</sup>

- آیت الله میانجی کارهای مستمرّ و زیادی برای کمک به فقرا انجام می‌دادند. ایشان برای شب عید برنامه‌ای خاص داشتند. عده‌ای به

۱. یکصد داستان خواندنی، ص ۳۷.

۲. بیدارگران اقالیم قبله، ص ۲۱۱.

۳. آیت بصیرت، ص ۴۶.

۴. خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۶۰۶.

۵. ریحانة الادب، ج ۵، ص ۳۶۸.

دستور او برای آن شب چیزهایی مثل: کفش و لباس برای بچه‌های فقرا و نیازمندان تدارک می‌دیدند. بودجه آن نیز به سفارش آیت الله میانجی از طریق رهبر معظم انقلاب ارسال می‌شد. هزینه این عمل خدایسندانه در سال اول یک میلیون تومان بود و سالهای بعدی اضافه شد تا اینکه به هشت میلیون تومان رسید. با این پولها وسایل زیادی تهیه و به خانواده‌های بی‌بضاعت داده می‌شد. حتی به دستور ایشان مقداری کتابهای درسی دوره راهنمایی و دبیرستان تهیه و به دست اهلس رسانده می‌شد.<sup>۱</sup>

- شیخ اعظم انصاری رحمته الله علیه نیز کمکهای فراوانی به فقیران می‌کردند. بسیاری از فقرا، معاش معین داشتند که همیشه به صورت سالانه و یا ماهانه به آنان می‌رسید؛ به طوری که آنها نمی‌دانستند از کجا تأمین می‌شوند. او در شبهای تار و سحرها به در خانه فقرا می‌رفت و لباس خود را مبدل می‌کرد و صورت خود را می‌پوشانید و به هر خانواده‌ای به مقدار احتیاجشان کمک می‌رساند.<sup>۲</sup>

- دست پر مهر و محبت و قلب رئوف آیت الله کوهستانی، پیوسته در جستجو و تحقیق حال فقرا و مستمندان و گوشه‌نشینان بود. هر جا فقیری سراغ داشت، از کمک کردن به او دریغ نمی‌ورزید. در کمک و توجه و عنایت به مستمندان و فقرا دقتی خاص داشت. در عین محبت پدران و رسیدگی به حال فقرا، سعی می‌کرد به گونه‌ای عمل کند که آبرو و شخصیت آنان حفظ شود.

شخصی در این باره چنین می‌گوید: «معظم له به بنده دستور فرمودند که با تفحص و تحقیق فهرستی از فقراء و مستمندان - سادات و غیر سادات - به طور جداگانه تهیه نمایم تا کمکهای مناسبی برای هر یک پرداخت شود. معظم له محرمانه به وضع آنان رسیدگی می‌کرد... هیچ‌گاه سائل را رد نمی‌کرد و در حد توان مالی خود، مبلغی را در اختیار سائل قرار می‌داد.»<sup>۳</sup>

۱. اسوة پارسایان، ص ۵۴.

۲. زندگانی و شخصیت شیخ انصاری، ص ۸۱.

۳. بر قلّه پارسایی، ص ۱۶۲.

عدالت، یاری کردن به مظلوم است.» و آن حضرت همچنین فرمود: «إِذَا رَأَيْتَ مَظْلُومًا فَأَعْنِهِ عَلَى الظَّالِمِ؟ هرگاه مظلومی را دیدی، او را در مقابل ستمگر یاری ده.»

پیامبر ﷺ نیز در این باره فرموده است: «مَنْ أَخَذَ لِمَظْلُومٍ مِنَ الظَّالِمِ كَانَ مَعِيَ فِي الْجَنَّةِ مُضَاحِبًا؟ کسی که [حق] مظلوم را از ستمگر باز ستاند، همراه من در بهشت خواهد بود.»

بر این اساس، وظیفه و مسئولیت دانشمندان و مبلغان در یاری و حمایت از ستمدیدگان و مظلومان، مخالفت با چپاولگران و اهل جور و ستم و نهی از منکر و افشای چهره ستمگران با کمک مسئولان مربوطه، سنگین تر و دشوارتر از سایر اقشار است و این پیمانی است که خداوند از علماء و دانشمندان گرفته است؛ چنان که امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «مَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ أَنْ لَا يَقَارُوا عَلَى كَيْفَةِ ظَالِمٍ

۵. یاری مظلومان و ستمدیدگان  
یکسی از بایستگیهای سلوک اجتماعی مبلغان و عالمان دینی، یاری و کمک به مظلومان و ستمدیدگان و رفع ظلم و تعدی از آنها و ایستادگی در برابر ظالمان و ستمگران است. حاکمان ستمگر، صاحبان زر و زور، خوانین محلی و رباخواران، همواره توده های محروم و سطح پایین جامعه را مورد تعدی و ظلم خود قرار می دادند و به چپاول و غارت آنها می پرداختند و مال و جان و ناموس آنان را بر باد می دادند.

در چنین مواردی همه مؤمنان و دینداران باید به پاخیزند و از حق مظلومان و مستضعفان دفاع کنند و داد محرومان و ستمدیدگان را از بیدادگران و چپاولگران بگیرند. ندای جاودانه امیر مؤمنان و یاور مظلومان علی علیه السلام بر تارک تاریخ می درخشد و راهنمای جوانمردان است، آنجا که فرمود: «كُونُوا لِلظَّالِمِ حُضْمًا وَلِلْمَظْلُومِ عَوْنًا! دشمن ستمگر و یاور ستمدیده باشید.» و یاد در فرازی دیگر می فرماید: «أَحْسَنُ الْعَدْلِ، نُصْرَةُ الْمَظْلُومِ؟ بهترین

۱. نهج البلاغه، نامه ۴۷.

۲. غرر الحکم، ص ۴۴۶، ح ۱۰۲۱۰.

۳. غرر الحکم، ص ۴۵۰، ح ۱۰۳۶۴.

۴. بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۳۵۹.

سر ببرند. امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: من حکومت را به این علت قبول کردم که خداوند از علمای اسلام تعهد گرفته و آنها را ملزم کرده که در مقابل پرخوری و غارتگری ستمگران و گرسنگی محرومان و ستمدیدگان ساکت ننشینند و بی کار نایستند...<sup>۳</sup> روحانیت متعهد به خون سرمایه داران زالو صفت تشنه است و هرگز با آنان سرآشتی نداشته و نخواهد داشت. علمای اصیل اسلام هرگز زیر بار سرمایه داران و پول پرستان و خوانین نرفته اند و همواره این شرافت را برای خود حفظ کرده اند.<sup>۴</sup>

- درباره عالم والا مقام آیت الله سید محمد حسین موسوی درچه ای آمده است: «افرادی که ظلمی به آنها می شد و یا حقی از آنان پایمال می گردید و یا مورد ایذاء و اذیت کسی قرار می گرفتند و قدرت و توانایی دفع

وَلَا تَسْفِ مَظْلُومٍ؛ پیمانی که خداوند با عالمان بسته آن است که در برابر سیری ظالمان و گرسنگی ستمدیدگان تاب نیاورند.»

آری، تاریخ تابناک شیعه، همیشه شاهد ظلم ستیزی پیشوایان معصوم و عالمان نستوه و مبارز بوده است و این درسی برای تمامی آزادگان و حق مداران است.

روزی سعد بن قیس همدانی دید که امام علی علیه السلام در هوای گرم، کنار دیواری ایستاده است. از حضرت پرسید: چرا در این هوای گرم اینجا ایستاده اید؟! امام علیه السلام فرمود: «مَا خَرَجْتُ إِلَّا لِأَعْيُنِ مَظْلُومٍ أَوْ أُعْيُنِ مَلْهُوفٍ؛ خارج نشدم مگر برای اینکه مظلومی را یاری دهم و گرفتاری را پناهگاه باشم.»

#### عالمان دین و یاری مظلومان

- امام خمینی علیه السلام درباره این وظیفه علما و مبلغان می فرماید: «علمای اسلام موظف اند با انحصارطلبی و استفاده های نامشروع ستمگران مبارزه کنند و نگذارند عده کثیری گرسنه و محروم باشند و در کنار آنها ستمگران غارتگر و حرام خوار در ناز و نعمت به

۱. نهج البلاغه، خطبه ۵۲.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۰۹.

۳. روحانیت و حوزه های علمیه، صص ۲۷۴ و ۲۷۹.

۴. روحانیت و حوزه های علمیه، صص ۲۷۴ و ۲۷۹.

آن ظالم را نداشتند، به حضور وی آمده و اظهار تظلم می کردند. آن مرحوم پس از چند لحظه سکوت و در خود فرو رفتن، سر را بالا می کرد و به آن فرد مظلوم می گفت: نگران نباش، به زودی مظلومیت تو روشن می شود [و اقداماتی برای یاری او انجام می داد]. طولی نمی کشید که ستم کننده و یا آن کس که حقی را تضییع نموده بود، با بدن لرزان و اشک ریزان، ملتسمانه برای عذرخواهی به پیش مظلوم می رفت و مشکل برطرف می گردید.<sup>۱</sup>

- عالم بزرگوار ملاحسن یزدی کربلایی (از شاگردان آقا سید محمد مجاهد و صاحب تألیفاتی همچون: مهیج الاحزان و اکمال الاصلاح) در زمانی که در یزد ساکن بود، و به انجام وظایف شرعی و صنفی اشتغال داشت، حاکم جائز و ستمکاری از طرف فتحعلی شاه در یزد حکومت می کرد.

مردم از ظلم او به ستوه آمده بودند؛ وی به شاه نامه ای نوشت و عزل حاکم را درخواست نمود؛ اما شاه به خواست او پاسخ نداد. این عالم دینی، از مردم خواست تا حاکم را اخراج کنند و مردم نیز به این کار اقدام کردند.<sup>۲</sup>

- یکی از اهالی اصفهان که به ناحق

مورد غضب شاه عباس صفوی قرار گرفته بود، به ناچار به عراق رفت و خود را به مقدس اردبیلی رساند و از او تقاضای کمک کرد. ایشان تا مظلومیت مرد را دید، درنگ نکرد و قلم و کاغذ مهیا نمود و نوشت: «بانی ملک عاریت، عباس، بداند اگر چه این مرد در اول [شاید] ظالم بود، [اکنون] مظلوم می نماید. چنانچه از تقصیر او بگذری، شاید حق سبحانه و تعالی از پاره ای از تقصیرات تو بگذرد...» شاه عباس نیز به فرموده او عمل کرد و آن مرد را بخشید.<sup>۳</sup>

- عالم ربانی حاج آخوند ملاعباس تربتی مرجع تظلم مردم، و خانه اش دادگستری و پناهگاه آنان بود. مردم از دست حکام و خوانین به او تظلم می کردند و او با قدرت معنوی خود، به شکایت آنان رسیدگی می کرد.

وقتی کسانی به عنوان تظلم به نزد او می آمدند و از خان محل یا حاکم یا شخص

۱. قصه های خواندنی از چهره های ماندنی، ص ۲۰۴.

۲. قصص العلماء، ص ۱۰۱؛ و فیات العلماء، ص ۱۶۸.

۳. آینه اخلاص، ص ۶۶.



دیگر شکایت داشتند که به آنها تعدی کرده و یا کسی را از آنها توقیف کرده، ایشان برای شفاعت و استخلاص شخص یا اشخاص ستمدیده نامه‌ای به آن طرف می‌نوشت و نامه‌هایش عبارت بود از یک قطعه کاغذ مستطیل کوچک... که بعد از بسم الله الرحمن الرحیم چنین می‌نوشت:

«جناب فلان! ان شاء الله موفق باشید! فلانی چنین می‌گوید؛ اگر راست است و خدای نخواست به او تعدی شده، امید است از مشارالیه رفع تعدی شود و هرگاه خسارتی به او رسیده جبران گردد. ان شاء الله عندالله و عندالرسول مئاب و مأجور خواهید بود، عباس.» پس از نوشتن این نامه همیشه اشخاصی که به آنها نامه می‌نوشت ترتیب اثر می‌دادند.<sup>۱</sup>

ملاً احمد نراقی، صاحب معراج السعاده، پس از رسیدن به درجه اجتهاد در کاشان ماندگار شد. حاکم کاشان مردی بدخوی و ستمگر و سبک‌سر بود. چون مردم از بیدادش به جان آمدند، به آن روحانی پاکدل پناه بردند و از او چاره خواستند. نراقی حاکم را تهدید به بیرون کردن از شهر نمود؛ حاکم از تهدید او خیلی ترسید و فوراً نامه‌ای به فتحعلی شاه نوشت

و از ملاً احمد نراقی شکایت کرد. شاه امر به احضار نراقی نمود و چون او به پایتخت رسید و وی را به نزد شاه بردند، فتحعلی شاه سخت به او پرخاش کرد. این عالم وارسته بدون اعتنا به پرخاشها و گفته‌های شاه، در آن شوریده حالی سر به سوی آسمان کرد و دست به دعا برداشت و نالید و گریست و بدون پروا از غضب شاه و درباریان گفت: «پروردگارا! این پادشاه ظالم مردم سوز، حاکمی چون خود ستمگر بر مردمان آزاده و بی‌آزار کاشان مسلط کرده و من در مقام امر به معروف و نهی از منکر که فرمان توست، آن حاکم ظالم را از ستمگری برحذر داشتم و اکنون این شاه بسی خیر از روز رستاخیز بر من تغیر می‌کند!»

فتحعلی شاه از گفته‌های نراقی یکه خورد و از بیم تأثیر دعای آن مجتهد پاک سیرت، سخت در وحشت افتاد و از وی پوزش طلبید. فوراً حاکم ستمگر را عزل کرد و کسی را که نراقی معرفی نمود، به حکومت کاشان فرستاد.<sup>۲</sup>

ادامه دارد....

۱. فضیلت‌های فراموش شده، ص ۱۰۵.

۲. قصص العلماء، ص ۱۳۰.